



عوامل رقیب در دستور و کاربرد

برایان مک‌وینی، آندری مالچوکو، و ادیت موراوسیک، ۲۰۱۴

راحله ایزدی فر^۱

زبان‌ها در هر موقعیت ارتباطی چندین پیشنهاد عرضه می‌کنند. گزینه‌های دستوری مختلف به رقابت با یکدیگر می‌پردازند تا بیشترین فایده را با کمترین هزینه به کاربران عرضه کنند. از این رو، سخنگویان و شنوندگان اغلب با گزینه‌های مختلف مواجه هستند و به ارزیابی مزایا و معایب هر گزینه می‌پردازند تا از میان گزینه‌های موجود، یک عبارت یا تعبیر را انتخاب کنند.

رقابت در همه موقعیت‌های کلامی وجود دارد، برای مثال، زمانی که عبارتی به‌عنوان محصول چند انتخاب یک سخنگو یا در مکالمه بین چند سخنگو بیان شود یا زمانی که از تکامل تاریخی تغییرات زبانی در طول چند نسل سخن می‌گوییم، رقابتی مطرح است. هر زمان که فردی تصمیم می‌گیرد که از چه کلمه یا ساختاری استفاده کند، عامل دیگری نیز وجود دارد که لایه دوم راهبردی است و باید هم‌زمان به آن نیز توجه شود زیرا سخنگو تلاش می‌کند از میان گزینه‌های موجود تنها گزینه‌هایی را انتخاب کند که به احتمال بیشتری هدف ارتباطی کنونی‌اش را به نحوی کارآمد محقق کند. حتی در ساده‌ترین پیام‌ها نیز نقش‌های مختلف سبب می‌شوند چند عامل در بیان عبارت دخیل باشند. آنچه سبب پیچیدگی در زبان می‌شود نیاز همیشگی سخنگو به بیان هرچه بهتر افکارش در ظرفیت محدود توجه شنونده است. همچنین زمانی که افراد وسوسه می‌شوند که به‌سوی پیچیدگی کلامی پیش روند، به سمت رقابت سوق می‌یابند.

رقابت بین عوامل از مسائل مهم مطرح‌شده در زبان‌شناسی است و نقش مهمی در توضیح و تبیین چرایی دستورها ایفا می‌کند. برای حصول هر هدف ارتباطی بین راهکارهای مختلف رقابت به وجود می‌آید و این رقابت از طریق فرایندهای انتخاب، تطبیق و دستوری‌شدگی بر دستور تأثیر می‌گذارد. رقابت در هر عبارت به‌عنوان یک عمل حقیقی به ایفای نقش می‌پردازد. سخنگو و شنونده در لحظه مکالمه در بیان شفاهی و تعبیر گفتار یکدیگر، هریک با چند رقیب مواجه هستند که عبارتند از چند واحد جایگزین که هریک خود دارای انگیزه‌ای است و این واحدها مجموعه‌ای از جایگزین‌های نسبتاً مناسب را برای هر موقعیت کلامی تشکیل

^۱ | raheleh.izadifar@gmail.com

۱- دانشجوی دکترای زبان‌شناسی دانشگاه بوعلی‌سینا

می‌دهند. رقیبان بر سر مجموعه محدودی از محصولات رقابت می‌کنند: در پایین‌ترین سطح: گروه‌بندی دقیق هر عبارت، در بالاترین سطح: سازمان‌دهی مداوم دستور. چرا همواره بیش از یک رقیب وجود دارد؟ زیرا همواره بیش از یک راه برای حل مسائلی که کاربران زبان با آن مواجه هستند وجود دارد. دستورها امکان انعطاف-پذیری کلامی را به وجود می‌آورند که این خود، امکان حل مسائل را به کاربران زبان می‌دهد و گاهی اوقات شیوه‌های جدیدی برای حل مسائل به وجود می‌آورد. شرایط رقابت با تنظیم معیارهای تناسب شکل می‌گیرد. برخی از این معیارها در نزاع با یکدیگر و برخی هم‌سو با هم هستند و زمینه ارزیابی و انتخاب عبارت‌ها را به وجود می‌آورند. اما هیچ راه‌حلی نمی‌تواند تمام تقاضاها را به طور یکسان برآورده کند. در نتیجه، رقابت و انتخاب همواره تجدید می‌شود و ادامه می‌یابد و انگیزه‌های جدیدی برای عوامل دستوری‌شدگی که سبب تکامل بی‌پایان دستور می‌شوند فراهم می‌شود. رقابت بین عوامل، جنبه همیشگی‌ای از فرایندهای تکاملی که سبب ظهور دستور می‌شوند را نشان می‌دهد.

توجه به شبکه پیچیده روابط بین سخنگویان و مخاطبان آن‌ها، اهداف و عبارت‌های آن‌ها، و ساختار دستوری و راهکارهایی که آنان به کار می‌برند در درک دستور در رویکرد نقش‌گرا نقش مهمی بر عهده دارد. دستورها از جریان پویای کلام حاصل می‌شوند درحالی‌که هر یک از آن‌ها مجموعه منحصربه‌فردی از ابزارهایی را عرضه می‌کنند که گستره و تنوع کامل اعمال ارتباطی سخنگویان یک‌زبان با استفاده از آن ابزارهای زبانی سازمان‌دهی می‌شود. از دیدگاه زبان‌شناسی نقش‌گرا اگر بخواهیم به این سؤال نقش‌گرای بنیادین پاسخ دهیم که "چرا دستورها این‌گونه هستند؟" باید رقابت، عوامل و تعامل آن‌ها را درک کنیم. نقش رقابت بین عوامل در ظهور دستور از اهمیت زیادی برخوردار است. دو تعمیم زیر در درک میزان قدرت تبیینی عوامل رقیب بیان شده است: (۱) تمام عوامل درون زبان از نوع عوامل رقیب هستند. (۲) رقابت بین عوامل، رقابتی حقیقی، قابل مشاهده و فراگیر است و در هر تلاش سخنگو برای استفاده از زبان برای برقراری ارتباط وجود دارد و در نتیجه آن، سخنگو از میان واحدها یا الگوهای هم‌چون کلمات، ساختها و قواعد دست به انتخاب می‌زند. این دو عامل در کنار هم در رویکردهایی که به وجود عوامل رقیب قائل هستند از اهمیت زیادی برخوردارند. نمی‌توان از این رقابت گریخت و هیچ عاملی نمی‌تواند به‌تنهایی در تعیین یک نشانه زبانی تأثیرگذار باشد. همچنین هیچ عاملی نمی‌تواند به‌تنهایی ارتباط صورت و نقش را در یک عبارت مشخص کند. عوامل رقیب موضوعی است که در دهه‌های اخیر با عناوین مختلف در زبان‌شناسی و رشته‌های مرتبط با آن مطرح شده است. مفهوم عوامل رقیب نخستین بار در سال ۱۹۸۵ توسط دوبو^۱ در رده‌شناسی زبان معرفی شد و از آن زمان در شاخه‌های مختلف زبان‌شناسی بسط و گسترش یافت. در سال‌های اخیر، گرایش رایج در رده‌شناسی نقش‌گرا این است که تکامل دستور را حاصل نزاع چند عامل نقشی هم‌سو می‌دانند.

شناسایی عوامل رقیب در زبان‌شناسی قدمتی کهن دارد. هوگو شوشاردت^۲ بر این باور بود که تعامل مسبب‌های بی‌شمار در شکل‌گیری الگوهای دستوری در زبان دخیل است اما بیشتر نقش‌گرایان امروزه تنها

¹ Du Bois

² Hugo Schuchardt

به وجود دو عامل معتقد هستند. به‌عنوان نمونه، قیاس^۱ و تغییر آوایی که میراث نودستوریان قرن نوزدهم است، از جمله عوامل مورد بحث در بیشتر موقعیت‌های زبانی به شمار می‌روند. قیاس عامل "وضوح"^۲ است و در مقابل تغییر آوایی قرار می‌گیرد که محصول "راحتی" است. در نظریه‌های نقش‌گرای اواخر قرن بیستم، قیاس جنبه‌ای از تصویرگونگی و تغییر آوایی بخشی از اقتصاد است و تشخیص آن‌ها را می‌توان زمینه تمام مطالعات اخیر در نظریه دستوری‌شدگی دانست. در تضاد "وفاداری" در مقابل "بی‌نشانی" در نظریه پس‌زایشی بهینگی و نیز در آثار گرایس و پیروان او در کاربردشناسی نیز با این عوامل مواجه می‌شویم. در تمام این تقابل‌ها دنیروی متضاد که بر ساختارهای دستوری تأثیر می‌گذارند شناسایی می‌شوند. از یک‌سو، نیاز سخنگو به برقرار کردن ارتباط و انتقال اطلاعات به نحوی واضح و منظم، و از سوی دیگر، تمایل همان سخنگو به کوتاه کردن سخنانش تا بیشترین حد ممکن وجود دارد.

زبان‌شناسان زیادی بر این باورند که رقابت، یک نیروی مهم در ساختن دستور است. به‌عنوان نمونه، هایمن (۱۹۸۳) با توجه به داده‌های چندین زبان به تبیین نقش تصویرگونگی و اقتصاد پرداخت و اعلام کرد که این دو عامل ممکن است با یکدیگر همسو باشند و منجر به نتیجه یکسانی گردند یا آنکه با یکدیگر در تضاد باشند و یا ممکن است اصول خاص تصویرگونگی، خود با هم به رقابت پردازند. دوبوآ (۱۹۸۵) نیز پیشنهاد کرد که نیاز به حل مداوم رقابت بین عوامل بیرونی مختلف تا حد زیادی منجر به ماهیت ثابت ساختار دستور می‌شود (دوبوآ ۱۹۸۵: ۳۶۰). همچنین سیمون دیک^۳ (۱۹۸۶) پیشنهاد کرد که هر زبان طبیعی را می‌توان یکی از مجموعه راه‌حل‌های ممکن برای مسئله پیچیده دست‌یابی به ارتباط بین انسانی دانست. بنابراین همواره رقابتی مستمر بین پیش‌نیازهای نقش‌گرای مختلف وجود دارد (دیک ۱۹۸۶: ۱۸، ۲۱-۲).

زبان‌شناسان در تحلیل زبان، برای تبیین حقایق زبان‌ها و الگوهای بین‌زبانی تعمیم‌های مختلفی پیشنهاد می‌کنند. برخی از این اظهارات، خاص ساخت‌های مجزا هستند و تأثیر آن‌ها مستقل از یکدیگر است. برای مثال، قواعد موصولی‌سازی در زبان انگلیسی و قواعد واگرفتگی انتهایی در زبان آلمانی در مجموعه داده‌های مشخصی اعمال می‌شوند و با یکدیگر تداخلی ندارند.

در برخی موارد پیش‌بینی‌هایی که توسط دو یا چند تعمیم مطرح می‌گردد در یک مجموعه داده اعمال می‌شود و ممکن است این تعمیم‌ها با یکدیگر همسو باشند؛ به عبارت دیگر، این تعمیم‌ها پیش‌بینی‌های یکسانی ارائه می‌کنند. نمونه‌ای از این موارد، تکامل اخیر حرف تعریف نکره در زبان باسکی^۴ است که در آن شمار "bat" به معنای "یک" از پایان قرن هجدهم به‌عنوان نشانه مشخص بودن^۵ به کار می‌رود. گرچه روند تبدیل "یک" به حرف تعریف نکره، نمونه شناخته‌شده‌ای از فرایند دستوری‌شدگی است، هاینه و کوتوا (۲۰۰۶: ۱۳۲-۳) پیشنهاد کرده‌اند که این فرایند در زبان باسکی در اثر تماس با زبان‌های دارای حرف تعریف

¹ analogy

² drive for clarity

³ Simon Dik

⁴ Basque

⁵ specificity

نکره تسریع شده است. در این صورت، فرایند دستوری شدگی و تماس زبانی در تسریع تکامل حرف تعریف نکره به صورت همسو عمل کرده‌اند. هریک از دو فرایند دستوری شدگی یا تماس زبانی به خودی خود می‌توانسته تاثیرگذار بوده باشد و ممکن است همانطور که هاینه و کوتوا پیشنهاد کرده‌اند، شاید هر دو فرایند با هم عمل کرده‌اند و نمونه‌ای از چندعلیتی را به وجود آورده‌اند.

نوع سوم نیز شامل دو تعمیم می‌شود که پیش‌بینی‌هایی در مورد یک ساخت مطرح می‌کنند اما در اینجا پیش‌بینی‌های مطرح‌شده با یکدیگر همسو نیستند بلکه با هم در تضاد هستند. برای مثال اگر به توزیع جنس دستوری در ضمائر شخصی انگلیسی توجه کنیم درمی‌یابیم که ضمیر سوم‌شخص مفرد برای جنس دستوری تمایز قائل است که نتیجه آن کاربرد ضمائر she, he و it در این زبان است. بر این اساس ممکن است پیش‌بینی کنیم که ضمیر سوم‌شخص جمع نیز در نتیجه قیاس با ضمیر سوم‌شخص مفرد برای یکسان شدن صیغگان خواهان تمایز جنس در سوم‌شخص جمع شود. اما اصل اقتصاد مانع یکسان شدن صیغگان سوم-شخص مفرد و جمع می‌شود و اعلام می‌کند که تمایز جنس در جمع فایده کمتری نسبت به تمایز مفرد دارد. از میان این دو تمایل، اقتصاد در زبان انگلیسی غلبه پیدا می‌کند و در نتیجه آن، این زبان تنها یک ضمیر سوم‌شخص جمع بدون تمایز (they) دارد. اما زبان فرانسوی گزینه دیگری را انتخاب می‌کند زیرا در این زبان هر دو ضمیر سوم‌شخص مفرد و جمع دارای جنس دستوری هستند (elles, ils; elle il) و می‌توان گفت در این زبان یکسان شدن صیغگان بر اقتصاد غلبه یافته است. این مثال نشان می‌دهد که تعمیم‌ها ممکن است پیش‌بینی‌های متضادی مطرح کنند و یا یکدیگر رقابت کنند و تضادهای حاصله ممکن است به شیوه‌های مختلف برطرف شوند. به عبارت دیگر، می‌توان گفت که تعمیم‌هایی که از آنها با عنوان عامل یاد می‌شود همواره با یکدیگر در رقابت هستند. سوال مطرح در اینجا این است که این رقابت در کجا عمل می‌کند؟ یا به عبارت دیگر، چه رابطه‌ای بین دستور ذهنی و عواملی که اغلب در حال رقابت با یکدیگر هستند و مسئول خصوصیات دستور تلقی می‌شوند وجود دارد؟ این سوال را می‌توان به این صورت نیز مطرح کرد که عوامل رقیب در چه عرصه‌ای حل می‌شوند؟ با توجه به امکان رقابت در میان این تعمیم‌ها یا عوامل، سوالات زیر مطرح می‌شوند:

۱- چه عواملی به رقابت با یکدیگر می‌پردازند؟

۲- رقابت هم‌زمانی:

• فرضیه‌های عوامل رقیب در چه حوزه‌هایی از دستور (نحو، صرف و ...) ابزارهای تحلیلی مناسبی هستند؟

• آیا چنین فرضیه‌هایی برای شرح دستور زبان‌ها و نیز تنوع بین زبان‌ها مناسب هستند؟

۳- رقابت در فرایندها:

• آیا عوامل رقیب در تغییر در زمانی قابل تشخیص هستند؟

• آیا عوامل رقیب در کاربرد زبان (تولید و درک) قابل تشخیص هستند؟

• آیا عوامل رقیب در فراگیری زبان اول و دوم قابل تشخیص هستند؟

۴- حل رقابت‌ها: چطور رقابت‌ها در حوزه‌های دستوری مختلف و در فرایندهای مختلف حل می‌شوند؟ مجموعه محدودی از احتمالات منطقی وجود دارد:

- تفکیک^۱: هر عامل در ساخت متفاوتی اعمال می‌شود. به عبارت دیگر، دو عامل ممکن است در ساخت‌های متفاوتی در یک زبان یا در میان زبان‌ها اعمال شوند.
- توافق^۲: هر دو عامل در ساخت یکسانی اعمال می‌شوند اما یک عامل یا هر دوی آنها به نحوی تغییر می‌یابند تا تضاد را برطرف کنند.
- برتری^۳: تنها یک عامل اعمال می‌شود.
- بن‌بست^۴: هیچ عاملی اعمال نمی‌شود و هیچ محصولی به بار نمی‌آید که تاثیر عوامل را نشان دهد. حتی در صورتی که یک عبارت مسدود شود، زبان‌ها راه‌هایی برای بیان معنا پیدا می‌کنند و بن-بست تنها با توجه به یک نوع ساخت خاص وجود دارد.

۵- تبیین عوامل رقیب

- چرا عوامل رقیب و حل آنها در سطح حوزه‌ها و فرایندهای دستوری و زبان‌ها وجود دارند؟
- چرا عوامل رقیب در زبان وجود دارند؟

پاسخ به سوالاتی در مورد علت، ماهیت، توزیع و وجود عوامل رقیب در تضاد مقتضیات سطح بالای رفتار انسانی همچون نیازهای سخنگو در مقابل تقاضاهای شنونده، وفاداری در مقابل اقتصاد، و در نهایت، عوامل متضاد مختلفی که مسبب رویدادهای جهان هستند جستجو و یافت می‌شوند.

می‌توان رقابت در زبان را با حوزه رقابتی دیگری همچون مسابقه قایقرانی شبیه دانست. در اینجا نیز مقایسه فهرستی از ویژگی‌های قایق شما با فهرست ویژگی‌های قایق حریف فایده‌ای نخواهد داشت بلکه مسئله حائز اهمیت، عملکرد حقیقی کل قایق در زمان استفاده از آن است. عملکرد، تابع یکپارچگی عناصر در یک کل متحد است و واحدی را خلق می‌کند که با محیط خود در تعامل است. این تعامل شامل واکنش کل واحد به شرایط محیطی و اجرای راهکارهای کاربردی (در این مثال: عمل قایقرانی) است که به طور سودمندی از ظرفیت‌های آن استفاده می‌کند. به همان نحو، رقابت در زبان نیز به مقایسه فهرست مطلوبی از ویژگی‌های زبان‌شناختی نمی‌پردازد بلکه شامل انتخاب مجموعه هماهنگی از عناصر و راهکارهای دارای نقش برای تحقق یک هدف ارتباطی پیچیده و در عین حال منسجم است. در مثال رقابت قایقرانی، فرد برای هدف آشکاری که همان برنده جایزه شدن است رقابت می‌کند و یکی از قایقرانان نخست به هدف خواهند رسید که این را می‌توان رقابت بیرونی یا جانشینی نامید. رقابت دیگری نیز رخ می‌دهد. پس از اینکه موفقیت اولیه حاصل شد، ارزیابی‌هایی باید انجام گیرد تا این موفقیت را حفظ کند یا در نسل بعدی قایق‌ها تغییراتی

¹ separation

² compromise

³ override

⁴ deadlock

داده شود تا در رقابت‌های آتی نیز به رقابت و موفقیت ادامه دهند. از این رو می‌توان گفت که نوع دیگری رقابت ادامه می‌یابد که می‌توان آن را رقابت درونی نامید. در رقابت درونی، رقیبان متفاوت هستند و جایزه آنها نیز متفاوت است. در اینجا راهکارها به رقابت می‌پردازند و رقابت آنها بر سر کنترل طراحی نقش‌گرای واحد مورد نظر است. تنها یک طرح نهایی می‌تواند برای کل وسیله وجود داشته باشد، که این طرح باید وارد رقابت بیرونی شود و ادعاهای بین راهکارهای رقیب باید در درون واحد حل شود. نتیجه در یک رویداد عینی حقیقی مورد آزمایش قرار می‌گیرد. رقابت درونی به رقیبانی که در موفقیت کل واحد ایفای نقش کرده‌اند اعتبار می‌دهد و مشخص می‌کند که کدام ویژگی‌های طرح و کدام راهکارها از سایرین مهم‌تر هستند و برای انتقال به نسل بعدی انتخاب می‌شوند و این چرخه به همین نحو ادامه می‌یابد. در زبان نیز از هر دو نوع رقابت درونی و بیرونی وجود دارد. در یک سطح، رقابت در زبان بین قاعده‌سازی‌های جایگزین برای یک عبارت حاصل می‌شود (همچون *gives him his hat* در مقابل *brings the hat back*) که هر یک به عنوان نشانه کلی برای تحقق هدف ارتباطی به ایفای نقش می‌پردازد. رقابت جانیشینی بین یک عبارت و جایگزین‌های محقق‌نشده آن را نیز می‌توان از نوع رقابت بیرونی دانست. در سطحی دیگر، هر عبارت پیچیده به ترکیب چند عنصر در درون خود می‌پردازد و این ترکیب منجر به رقابت بین این عناصر برای کسب اعتبار می‌شود. این رقابت از نوع درونی است و بین واحدهایی به وجود می‌آید که همراه با هم برای شرکت در تحقق یک عبارت انتخاب می‌شوند. رقابت درونی به صورت مستمر به توزیع پاداش موفقیت در بازی زبان می‌پردازد که این به دلیل حضور مستمر استنتاج، بازتحلیل و دستوری‌شدگی و آمادگی آنها برای به چالش کشیدن وضعیت کنونی است. از این رو، رقابت در دیدگاه نقش‌گرا دارای دو وجه است: بیرونی که در آن راهکارهای موجود برای شرکت در تحقق یک عبارت انتخاب می‌شوند، و درونی، که در آن به راهکارهای انتخاب‌شده برای شرکت در موفقیت ارتباطی اعتبار داده می‌شود. مشاهده و درک رقابت بیرونی ساده‌تر است اما رقابت درونی در نهایت در ظهور دستورهای دارای انگیزش نقش‌گرا از اهمیت کلیدی برخوردار است.

شواهد مطالعات مختلف نشان می‌دهد که عوامل رقیب در همه زمان‌ها بر تکامل هر بخش از دستور در تمام زبان‌ها تاثیر می‌گذارند. رقابت در عرصه بیان همواره مشهود است و در شکل‌دهی فرایندهای تولید، درک و بازتولید زبان‌شناختی تاثیرگذار است. رقابت بین عوامل همواره وجود دارد و عاملی که در رقابت وارد نشود تنها یک عامل آزمایش‌نشده است که از تاثیرات انتخاب و تطبیق دور می‌ماند. عامل بدون رقابت نمی‌تواند وجود نظام‌مند تنوع رده‌شناختی در زبان‌های جهان را توجیه کند. هر ساختار در هر زبان، محصول فرایندهای تکامل فرهنگی - تاریخی رخ داده در آن زبان است. فرایندهای قدرتمند و گسترده‌ای همچون رقابت و انتخاب همواره بر نظام دستوری تاثیر می‌گذارند.

مفهوم عوامل رقیب موضوعی بنیادین در تمام حوزه‌های زبان‌شناسی به شمار می‌رود و در مباحث نظری مختلف زبان‌شناسی از موضوعات کلی همچون دستور همزمانی، کاربرد، فراگیری زبان و دستور در زمانی تا مباحث جزئی‌تری همچون ساختار موضوعی، بندهای موصولی، حروف ربط تقابلی، و ضمائر در چارچوب‌های نظری مختلف از نظریه بهیمنگی و الگوی رقابت تا رویکردهای مختلف دستور نقش‌گرا برای توصیف رقابت‌های

درون زبانی یا بین زبانی مطرح شده است. در چارچوب‌های واج‌شناسی طبیعی و صرف طبیعی که نخستین بار توسط ولفگانگ یو. درسلر^۱ و همکارانش مطرح شد نیز مفهوم رقابت به عنوان یک مسئله مهم عنوان شده و مبنای طرح نظریه بهینگی قرار گرفته است.

کتاب عوامل رقیب در دستور و کاربرد که شامل بیست و یک تحقیق در مورد عوامل رقیب در زبان است نخستین اثری است که به طور خاص به این موضوع می‌پردازد. تحقیقات این مجموعه در سه بخش گروه-بندی شده‌اند و در انتها یک فصل به نتیجه‌گیری اختصاص دارد. بخش‌های اول و دوم شامل مطالعات موردی در حوزه عوامل رقیب در نحو و صرف و بخش سوم و فصل نتیجه‌گیری در مورد مسائل کلی هستند. چارچوب نظری فصل‌ها متنوع است و شامل نظریه بهینگی، انگاره رقابت، رویکردهای مختلف دستور نقش‌گرا، و رقابت در درون یک زبان یا بین زبان‌های مختلف است. بیشتر بیست و یک تحقیق گردآوری شده در این کتاب بر اساس داده‌های انگلیسی هستند اما شواهدی از زبان‌های مختلف نیز در این اثر مورد بحث قرار گرفته‌اند. علاوه بر دستور و کاربرد در زبان بزرگسالان، بسیاری از فصل‌های این اثر به تحلیل داده‌هایی از فراگیری زبان اول و دوم نیز می‌پردازند. برخی فصل‌ها نیز به بررسی عواملی اختصاص دارند که سبب تغییر تاریخی می‌شوند. برخی فصل‌ها به وجود عوامل رقیب در دستور همزمانی زبان‌ها قائل هستند که شامل نحوه انتخاب سخنگویان از میان ساخت‌های موجود همچون بحث پیشین‌شدگی مفعول جاندار^۲، خروج بند موصولی^۳، تک-معنایی و چندمعنایی، و تنوع صرفی‌نحوی است. برخی فصل‌ها به اثبات وجود عوامل رقیب در تنوع بین‌زبانی و برخی به رقابت میان عوامل نحوی، کاربردشناختی و معنایی در زمان تولید و درک وابستگی‌های دستوری پرداخته‌اند. حوزه‌های زبانی دیگر از جمله عمل عوامل رقیب در حوزه صرف نیز در برخی فصل‌ها مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

بخش اول با عنوان «رقابت در نحو: روابط دستوری و ترتیب کلمات» شامل نه فصل است. الگوهای نحوی این فصل‌ها با روابط دستوری از قبیل الگوهای انطباق، ترتیب کلمات و حالت‌نمایی مرتبط هستند. در چند فصل از این بخش، رقابت در حوزه‌های دستور همزمانی، کاربرد زبان در زمان تولید و درک، و فراگیری زبان کودک نشان داده می‌شود. برخی فصل‌ها عوامل رقیب را در تبیین الگوهای یک زبان نشان می‌دهند و برخی دیگر به تنوع بین زبان‌ها می‌پردازند. به عنوان نمونه، فصل «حل نزاع‌های انطباق: رویکردی بر اساس عوامل رقیب» نوشته آندری مالچوکو به مسئله تنوع بین زبانی و همسویی در الگوهای انطباق می‌پردازد. مواردی که در این فصل بررسی شده‌اند شامل جمله‌های متعدی (انطباق فاعلی در مقابل مفعولی) و ساخت‌های دومفعولی (انطباق غیرمستقیم در مقابل ثانویه) هستند. او نشان داده که تعامل بین دو عامل رقیب در انطباق می‌تواند از سویی کاربرد الگوهایی که در آنها هر دو عامل یک انطباق را ترجیح می‌دهند و از سوی دیگر، تنوع بین زبانی حاصل از نزاع دو عامل را تبیین کند. پنج فصل بعدی این بخش به بررسی عوامل

¹ Wolfgang U. Dressler

² animate object fronting

³ relative clause extraposition

رقیب در کاربرد زبان و رابطه آنها با دستور پرداخته‌اند و سه فصل بعدی به بحث عوامل رقیب در فراگیری زبان کودک اختصاص دارند.

پنج فصلی که در بخش دوم این مجموعه گنجانده شده‌اند به بررسی رقابت در صرف نحو و واژگان پرداخته‌اند و با تمرکز بر جنبه‌های صرفی و نحوی، حوزه مطالعه عوامل رقیب در دستور، کاربرد، و فراگیری زبان را گسترده کرده‌اند. به عنوان نمونه، فصل مارتین هسپلمت با عنوان «رقابت فشار نظام با عامل اقتصادی» با این مشاهده آغاز می‌شود که نشان دادن دستوری معمولاً اقتصادی است به این معنا که عضو پرکاربردتر در تقابل دستوری معمولاً با نشانه صفر و عضو کم‌کاربردتر با نشانه آشکار نشان داده می‌شود. اما به باور او، اگر بسامد به عنوان تنها عامل مطرح بود و هیچ رقیبی نداشت، تنوع بسیار بیشتری در میان زبان‌ها دیده می‌شد. با توجه به اینکه نشان دادن دستوری تا حدی در میان طبقات مختلف کلمات یکسان هستند، یک عامل دوم با عنوان فشار نظام مطرح می‌شود که عامل رقیب قوی‌ای تلقی می‌شود و زبان‌ها را به پذیرفتن الگوهای یکسان به قیمت از بین رفتن اقتصاد وادار می‌کند.

عنوان بخش سوم کتاب، «موارد کلی و گسترش رویکرد» است. شش فصل این بخش به بررسی بیشتر بحث عوامل رقیب پرداخته‌اند. به عنوان نمونه، فصل جان دوبوآ با عنوان «عوامل رقیب» به به مرور عواملی که سازمان‌دهی دستور را شکل می‌دهند، رقابت‌هایی که بین این عوامل رخ می‌دهد، و حل این رقابت‌ها از طریق فرایندهای نظام‌مند دستوری‌شدگی پرداخته است. این فصل تلاش می‌کند به این سوال پاسخ دهد که چطور رقابت بین واحدهای نقشی با راهکارهای سخنگویان برای حصول اهداف ارتباطی‌شان مرتبط است و چطور رقابت و عوامل با یکدیگر در تعامل هستند تا عوامل رقیب را تشکیل دهند.

منابع

- Dik, Simon (1986). On the notion "functional explanation". *Belgian Journal of Linguistics* 1, Pp. 11-52.
- Du Bois, John (1985). "Competing motivations", in John Haiman (ed.), *Iconicity in Syntax. Proceedings of a symposium on iconicity in syntax*. Amsterdam and Philadelphia: Benjamins, Pp. 343-65.
- Haiman, John (1983). Iconic and economic motivation. *Language* 59, Pp.781-819. [\[pdf\]](#)
- Heine, Bernd and Tania Kuteva (2006). *The Changing Languages of Europe*. Oxford: Oxford University Press.
- MacWhinney, B., Malchukov, A. L., & Moravcsik, E. (2014) *Competing motivations in grammar and usage*. Oxford: Oxford University Press.